

An Analysis of the Economic and Commercial Ideas and Strategies of Mohammad-Taqi Khan Chahar Lang

Behdad Hoseini¹ 

1.PhD Graduate in Iranian History, Islamic Period, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. E-mail: hamzeh.hoseini1366@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 29 February
2024

Received in revised form
22 April 2024

Accepted 23 April 2024

Available online
25 March 2025

Keywords:

Mohammad-Taqi Khan,
economic strategies,
Bakhtiari,
Ghal 'eh Tal.

ABSTRACT

The rise of Mohammad-Taqi Khan Chahar Lang during the reigns of Fath-Ali Shah and Mohammad Shah Qajar in southwestern Iran marked a turning point in the history of social developments among the Bakhtiari community. Among the various aspects of this Bakhtiari Khan's governance, the economic and commercial ideas and strategies he envisioned for the development and prosperity of his domain—and the measures he undertook to realize them—are of particular significance.

This article, using a descriptive-analytical approach, seeks to answer the primary question: What were Mohammad-Taqi Khan Chahar Lang's most important economic and commercial ideas and strategies? It appears that after his rise to power, the Khan, on the one hand, confronted the deteriorated economic conditions of his territory, and on the other, recognized the exceptional economic capacities, resources, and wealth of the region. He initially sought to establish the necessary infrastructure for economic transformation, development, and prosperity, including ensuring security and settling nomadic tribes that were essential for sustainable development. In the next stage, he attempted to reform the taxation system to address the chaotic fiscal conditions of his domain. Finally, he endeavored to establish foreign commercial and economic relations with the British residents of the Persian Gulf and India, introducing the region's wealth and potential to them and encouraging investment and the opening of trade routes. However, his conflict with the Qajar rulers and his subsequent downfall ultimately thwarted his economic ideas and strategies.

Cite this article: Hoseini, B. (2025). An Analysis of the Economic and Commercial Ideas and Strategies of Mohammad-Taqi Khan Chahar Lang, *Discourse of History*. 19 (52), 153-173. <https://doi.org/10.22034/2024.18182.1505>

<https://doi.org/10.22034/2024.18182.1505>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

واکاوی ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی _ تجاری محمد تقی خان چهارلنگ بهداد حسینی ✉

۱. دانش آموخته مقطع دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

رایانامه: hamzeh.hoseini1366@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

قدرت‌گیری محمد تقی خان چهارلنگ در دوره فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار در جنوب غربی ایران نقطه عطفی در تاریخ تحولات جامعه بختیاری می‌باشد. از میان جنبه‌های مختلف حکمرانی این خان بختیاری، ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی -تجاری که وی برای عمران و آبادانی قلمرو خود در سر پرورانده و سپس اقداماتی که در جهت تحقق آن‌ها انجام داده بود، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. در این مقاله تلاش می‌شود تا با روش توصیفی-تحلیلی به این سوال اصلی پاسخ داده شود که مهم‌ترین ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی _ تجاری محمد تقی خان چهارلنگ چه بودند؟ به نظر می‌رسد که خان بختیاری بعد از قدرت‌گیری از یک سو با مشاهده اوضاع نابسامان اقتصادی حوزه حکمرانی خود و از سوی دیگر ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و ثروت‌های اقتصادی ممتاز این منطقه درصدد برآمد تا ابتدا زیر ساخت‌های لازم برای تحول، عمران و آبادانی اقتصادی از جمله ایجاد امنیت و سپس اسکان عشایر کوچ روی که نیازمند یک جانشینی برای توسعه و عمران بودند انجام داد و سپس در مرحله بعد تلاش کرد تا با اصلاح نظام مالیاتی در منطقه تحت نفوذش اوضاع مالیاتی پریشان را سامان دهد. او در گام آخر کوشید تا با ایجاد روابط تجاری و اقتصادی خارجی با انگلسیه‌های مقیم خلیج فارس و هندوستان ثروت‌ها و ظرفیت‌های این منطقه را به آن‌ها معرفی و آن‌ها را برای سرمایه گذاری و گشودن مسیرهای تجاری به منطقه خود تشویق کند. ولی درگیری او با قاجارها و سپس سقوط وی ایده‌ها، راهبردهای اقتصادی او را ناکام گذاشت.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

کلیدواژه‌ها:

محمد تقی خان،
اقتصادی،
بختیاری،
قلعه تل.

استناد: حسینی، بهداد (۱۴۰۴). واکاوی ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی _ تجاری محمد تقی خان چهارلنگ. سخن تاریخ، ۱۹ (۵۲).

<https://doi.org/10.22034/2024.18182.1505> ،۱۷۳-۱۵۳

© نویسنده‌گان

ناشر: جامعه المصطفی (ع) العالمیه.



یکی از مهم‌ترین ایلات و عشایری که بعد از مرگ نادرشاه تلاش بسیاری را برای رسیدن به قدرت انجام داد ایل بختیاری بود. این ایل در تحولات ایران بعد از مرگ نادرشاه بسیاری تاثیر گذار ظاهر شد و منشأ بسیاری از اتفاقات و وقایع بود. با رسیدن قاجارها به قدرت نقش بختیاری‌ها پررنگ‌تر شد و آن‌ها انگیزه و علاقه شدیدی را برای کسب قدرت از خود نشان داده‌اند. یکی از مهم‌ترین حاکمان بختیاری که در دوران فتح علیشاه توانست با تدبیر و درایت کافی ایل بختیاری را تا حدودی متحد و مناطقی زیادی را تحت سیطره خود در آورد و مرکز حکومت خود را در قلعه تل قرار دهد؛ محمد تقی خان چهارلنگ (۱۲۶۸-۱۲۰۸ ه.ق) بود. وی در سال ۱۲۴۹ ه.ق با دولت مرکزی به مخالفت برخاست و با دربار قطع ارتباط کرد و بعد از سه مرحله شورش، توسط منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان دستگیری و در تهران زندان شد. حکمرانی وی در قلعه تل از جنبه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و... قابل بررسی می‌باشد. در میان جنبه‌های مختلف حکومت محمد تقی خان در قلعه تل، ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی وی برای توسعه و ترقی مناطق بختیاری بسیار مهم و قابل اهمیت می‌باشد و ضرورت پژوهش را در این زمینه می‌طلبد. بنابراین مسئله اصلی در این پژوهش ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی و تجاری محمد تقی خان می‌باشد. در مورد محمد تقی خان در منابع و پژوهش مختلف اطلاعات جسته و گریخته وجود دارد از جمله فرهاد پوریانژاد و همکارانش (۱۳۹۶). در مقاله تحت عنوان «اقدامات امنیتی - انتظامی منوچهر خان معتمدالدوله در خوزستان عهد محمدشاه قاجار (۱۲۵۶ ه.ق - ۱۸۴۰ م)». به چگونگی قدرت‌گیری محمد تقی خان و تمام مراحل دستگیری وی توسط منوچهر خان معتمدالدوله پرداخته‌اند و اقدامات منوچهرخان را در راستای سرکوب و دستگیری خان بختیاری ستایش کردند و آن را نمونه‌ای از تلاش‌های وطن پرستانه برای جلوگیری از تجزیه ایران می‌دانند. ولی هیچ اشاره‌ای به اقدامات اقتصادی و تجاری محمد تقی خان نکردند. آفرین توکلی و سمیه کمالی (۱۳۹۶). در مقاله دیگر تحت عنوان «بررسی تحولات سیاسی ایذه، قلعه تل و باغملک در دوره قاجار با تاکید بر ایل بختیاری» تحولات و وقایع سیاسی دوران محمد تقی خان را در کنار دیگر تحولات جامعه بختیاری در سراسر دوره قاجار را بررسی کردند و به روند حکمرانی او از ابتدا تا سقوطش پرداختند اما جای موضوع مذکور خالی است. منصور امانی (۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان «بختیاری‌ها و قاجاریه» به موضوع درگیری قاجارها با محمد تقی خان پرداخته است و حسادت‌های منوچهر خان معتمدالدوله و تحریکات لایارد را عامل اصلی سقوط وی

می‌داند ولی به اقدامات اقتصادی و تجاری وی نپرداخته است. غفار پوربختیار (۱۳۹۴). در مقاله دیگر با عنوان «واکاوی سیاست حکومت قاجار در برابر ایل بختیاری» به تقابل خان بختیاری با قاجارها پرداخته و سیاست‌ها و تاکتیک‌ها دولت قاجار برای به سقوط کشاندن وی را مورد پژوهش قرار داد. حسین مسجدی (۱۳۸۷). در مقاله دیگر با عنوان «محمد تقی خان کنورسی چهارلنگ و نقد سوانح او در تذکره ملایح المعتمدیه» به نقد و بررسی اتفاقات مربوط به درگیری و سپس سقوط محمد تقی خان توسط منوچهر خان معتمدالدوله در منبع بالا پرداخته است. باید گفت که تأکید و تلاش اصلی همه این پژوهش بر سیر قدرت‌گیری این خان بختیاری و سپس سقوط وی است و در این پژوهش‌ها به ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی و تجاری محمد تقی خان اشاره نشده است. به همین دلیل موضوع مذکور نیازمند پژوهش جامع و مستقل می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود تا با روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اسناد و منابع مختلف ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی محمد تقی خان چهارلنگ مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد.

نگاهی به حکمرانی محمد تقی خان چهارلنگ از قدرت‌گیری تا سقوط

محمد تقی خان چهارلنگ از ایل کیانرسی و از نوادگان علیمردان خان بختیاری معاصر کریم خان زند بود وی در دوره فتحعلیشاه بعد از زدوخورد با عموزاده‌های خود توانست به قدرت دست پیدا کند و مقرر حکومتی خود را در قلعه تل قرار داد. سردار ظفر در مورد نسب او می‌نویسد «سلسله نسب خانواده علی خان پدر محمد تقی خان، به علیمردان خان چهارلنگ می‌رسید. علیمردان خان یکی از سه نفر خانی بود که سلسله زند را به قدرت رسانید؛ او خواهرش را به ازدواج زمان خان کیانرسی از چهارلنگ بختیاری در آورد؛ زمان خان کیانرسی دارای سه پسر بود (که خواهر زادگان علیمردان خان محسوب می‌شدند) با نام‌های علی صالح خان، رشید خان و علیمردان خان بودند» (سردار ظفر، ۱۳۶۲: ۱۴۹). محمد تقی خان نوه رشیدخان بود؛ پدر محمد تقی خان علی خان کیانرسی با عموزادگانش حسن خان و فتحعلی خان دچار خصومت و دشمنی شده بود و «در این بین با سعایت حسن خان و فتحعلی خان نزد فتحعلی شاه قاجار فرمان عزل علی خان صادر و چشمانش را میل کشیدند» (قربان دشتکی، ۱۳۹۰: ۹۳). محمد تقی خان پسر علی خان که در این زمان طفلی بیشتر نبود، در روستای ارمنی نشین فریدون پنهان شد و در سن هجده سالگی درصد انتقام از حسن خان برآمد. بدین ترتیب «به همراه دو برادرش علیقلی خان و خان باباخان مخفیانه حسن خان را به قتل رساندند. با این اقدام بلافاصله تعداد زیادی از طوایف به

محمد تقی خان پیوستند و خودش با ازدواج با دختر حسن خان نفوذش را در بین ایلات و طوایف بختیاری گسترش داد» (لایارد، ۱۳۶۷: ۳۸). او سپس مرکزیت خود را به قلعه تل در منطقه جانکی (باغملک فعلی) انتقال و قلعه تاریخی این شهر را بازسازی و محل حکمرانی خود قرار داد. کرزن در مورد قدرت گیری وی می‌نویسد «وی به واسطه قوای شخصی خود به قدرت رسید او قهرمان دلیر، تیراندازی قابل، سوارکار و شمشیر زنی معروف بود و در زندگی شخصی پرهیزگار و در امور مملکتی ملایم و در عقاید سیاسی آزاد بود» (کرزن، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۵۲). بی بی مریم بختیاری درباره شخصیت محمد تقی خان می‌نویسد «محمد تقی خالویم هم شخص بزرگی بود و همیشه با دولت قاجار زد و خورد می‌کرد و آن‌ها را به سلطنت نمی‌شناخت و همیشه خیالش بزرگ بود و کله پر فکری داشت» (بختیاری، ۱۳۸۲: ۴۰). محمد تقی خان در اواخر دوره فتحعلی شاه مخالفت‌های خود را علیه دولت قاجار آغاز کرد و تا دوره محمدشاه که به سقوط او انجامید ادامه داشت. او ابتدا «از دادن مالیات خوداری کرد و این مهم باعث نخستین برخورد شد» (سلطانی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۳۵). او در ادامه به فتوحات برای گسترش قلمرو خود دست زد و به «شفیع خان دستور داد تا تمامی خطوط فارس تا کاشان را به تصرف در آورد و به این ترتیب آوازه و شهرت محمد تقی خان به همه جا رسید» (امامی اهواری، ۱۳۷۹: ۴۵۵). امرای دولت قاجار که از قدرت او به وحشت افتاده بودند و سخت نگران پیشروی کار وی شدند «بهرام میرزا برادر کوچکتر محمدشاه را عازم سرکوب محمد تقی خان کردند» (اسعد، ۱۳۷۶: ۴۱۷). در این سفر جنگی که سر هنری سراولینسون^۱ افسری انگلیسی بهرام میرزا را همراهی می‌کرد «محمد تقی خان مجبور به ترک قلعه تل شد و به قلعه مستحکم منگشت^۲ رفت... این لشکر کشی در نهایت با مصالحه بهرام میرزا با محمد تقی خان پایان یافت و بهرام میرزا به محل حکومت خود بازگشت» (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۲، ۶۶۳-۶۶۱). اما این آشتی سیاسی-نظامی زیاد دوام نیافت و محمد تقی خان بار دیگر شورش کرد و محمدشاه این بار «برای دفع غائله او برادر دیگر خود سلطان مراد میرزا حسام السلطنه را مأمور کرد که این بار هم با میانجی‌گری معتمدالدوله پایان پذیرفت» (هدایت، ۱۳۸۰، ج ۱۵: ۸۲۴۰-۸۲۳۸). ولی در نهایت زمانی که دولت قاجار از مسئله هرات در افغانستان فارغ

1. Sir Henry Rawlinson

2. قلعه تاریخی و صعب العبور است که در کوه‌های منگشت در شهرستان باغملک واقع شده است. این قلعه در طول تاریخ پناهگاه محکمی برای حاکمان منطقه از جمله اتابکان لر و محمد تقی خان چهارلنگ و سپس خوانین کیان ارثی قلعه تل و بهمنی منطقه بوده است.

شد و اختلاف خود را با انگلیسها حل کرد به سراغ محمد تقی خان آمد و در این لشکرکشی که منجر به سقوط خان بختیاری گردید حسادت‌های منوچهر خان معتمدالدوله حاکم اصفهان و تحریکات لایارد انگلیسی نیز دخیل بودند. معتمدالدوله با بهانه قرار دادن مالیات عقب افتاده از محمد تقی خان، او را در وضعیت سختی قرار داد و از محمد تقی خان خواست تا «مالیات عقب افتاده را به مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان را پرداخت کند. از این مالیات باید مبلغ ۳۰۰۰ تومان به خزانه شاهی و ۳۰۰۰ تومان در وجه معتمدالدوله و بقیه مبلغ مذکور به خزانه دولت واریز می‌شد» (لایارد، ۱۳۶۷: ۱۴۱). جمع آوری این مالیات برای محمد تقی خان امکان پذیر نبود؛ چرا که اگر برای جمع آوری آن به زور متوسل می‌شد، باعث نافرمانی و تمرد بختیاری‌ها از او می‌گردید. در نهایت منوچهر خان معتمدالدوله به سوی مالمیر لشکرکشی کرد و در این رویارویی بدون درگیری سپاه محمد تقی خان در اثر توطئه‌ها و دسیسه‌های منوچهر خان معتمدالدوله متفرق شده و به فرار خان بختیاری به فلاحیه نزد شیخ ثامر و سپس دستگیری و زندانی او در تهران انجامید. افشار سیستانی در مورد نتایج این لشکرکشی می‌نویسد «محمد تقی خان که توان مقابله در خود نمی‌دید به همراه اموال و بستگان خود به شیخ ثامر کعبی پناهنده شد» (افشار سیستانی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۶۱). بعد از فرار محمد تقی خان و دستگیری او «معتمدالدوله با تسخیر قلمرو وی حکومت بختیاری را به علی رضا خان داد» (اعتماد السلطنه، بی تا، ج ۳: ۱۶۵۸).

امام شوشتری در مورد سرانجام محمد تقی خان می‌نویسد «او را دستگیر و به تهران اعزام کردند ظاهراً شاه مصمم به کشتن او بود ولی با وساطت حبیب الله خان شاهسون و امیر توپخانه از این تصمیم منصرف شد. ولی در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه حاکم اصفهان به امیر کبیر شکایت کرد تا زمانی که محمد تقی خان در تهران هست نظم و آرامش در بین قبایل عرب و بختیاری برقرار نمی‌شود» (امامی شوشتری، ۱۳۳۱: ۸۰). بعد از این شکایت با این مضمون که وجود محمد تقی خان در تهران برای خاک بختیاری خطرناک است «امیر نظام او را به تبریز منتقل کرد و در آنجا تحت حفاظت قرار گرفته و بعد از مدتی تبعید در تبریز دوباره به تهران بازگردانده شد. محمد تقی خان در زندان بود تا این که در سال ۱۲۶۷ هجری برابر با ۱۸۵۱م. در زندان توپخانه بدرود حیات گفت» (آهنجده، ۳۶-۳۷). بدین ترتیب فراز و فرود خان بختیاری با اهداف، انگیزه‌های و برنامه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و... به این شکل پایان یافت و تحولات جامعه بختیاری بعد از وی وارد مرحله جدیدی از حیات سیاسی خودش شد.

اقدامات اقتصادی تجاری محمد تقی خان چهارلنگ

دوران محمد تقی خان یک نقطه عطف در تاریخ ایل بختیاری می‌باشد؛ چرا که وی توانست بعد از مدتی‌ها بختیاری‌ها را تا حدودی متحد و تفرقه‌افکنی را در بین آن‌ها از بین ببرد. صرف نظر از اهداف و اغراض سیاسی وی، که مورد مناقشه پژوهشگران مختلف می‌باشد، وی آرزوی توسعه و آبادانی اقتصادی حوزه نفوذش را داشته و در این راستا با طرح ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی و تجاری به اقدامات مختلفی برای تحقق آن‌ها دست زد. در زیر تلاش می‌کنیم تا مهم‌ترین نمودهای ایده‌های و فعالیتهای اقتصادی انجام شده توسط وی شامل ایجاد امنیت و مقابله با دزدی و راهزنی، اسکان عشایر برای تغییر شیوه تولید، اصلاح مالیات و برقراری روابط تجاری و بازرگانی را تبیین و تحلیل کنیم.

الف - ایجاد امنیت (مقابله با دزدی و راهزنی)

توسعه، عمران و آبادانی یک منطقه یا کشور زیرساخت‌ها و پیش شرط‌های اساسی نیاز دارد که یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین آن‌ها امنیت می‌باشد. به طوری که می‌توان گفت اگر همه شرایط برای توسعه فراهم باشد ولی امنیت پایدار و کافی وجود نداشته باشد توسعه، عمران و آبادی به نتیجه نمی‌رسد. بنابراین می‌توان گفت که ایجاد امنیت یک بخش جدانشدنی از رفاه انسانی است و لذا نه تنها زیرساخت و پیش شرط توسعه است بلکه خود نیز یکی از اهداف مهم توسعه قلمداد می‌شود. فقدان امنیت انسانی اثرات معکوسی بر رشد اقتصادی و فقر و در نتیجه توسعه بر جا می‌گذارد. این مفهوم به همان اندازه که نزد سیاستمداران و صاحب نظران اهمیت دارد نزد بازرگانان و تجار و مردم عادی نیز مهم می‌باشد. در باره مفهوم امنیت و حدود و گستره آن نیز مانند بسیاری از مفاهیم علوم اجتماعی فهم یکسانی وجود ندارد و پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم اجتماعی و سیاسی دیدگاه‌های مختلفی در مورد آن دارند. از نظر لوزان^۱ «امنیت مفهوم اساسا مجادله آمیزی است که یکی از ویژگی‌های آن مناظرات و مجادلات غیرقابل حل در مورد معنا و کاربست آن است» (شپهان، ۱۳۸۸: ۱۲). جوزف نای^۲ نیز در اهمیت امنیت و جایگاه بالای آن در جامعه، آن را «اکسیژن می‌داند و معتقد است زمانی اهمیتهش روشن می‌شود که

1. Lausanne

2. Goseqh Nye

موجود نباشد وی بر آن است زمانی که امنیت نباشد دیگر هیچ چیزی باقی نمی‌ماند که شما در باره آن فکر کنید». (Ney, 199: 90) کنت والترز^۱ امنیت را بالاترین هدف می‌داند و شرط تحقق توسعه و رفاه جامعه را امنیت معرفی می‌کند و معتقد است «تنها اگر بقا تضمین شود دولت‌ها می‌توانند اهداف دیگرشان مانند آرامش، منفعت و قدرت را تعقیب کنند» (waltz, 126 : 1979) و لفرر در تعریف امنیت می‌نویسد «امنیت عبارت است از درجه‌ای از حفاظت از ارزش‌های کسب شده». (wolfers, 1952: 484) براساس شواهد و منابع تاریخی اوضاع مناطق بختیاری در زمان صعود محمد تقی خان چهارلنگ به قدرت بسیار پریشان و ناآرام بوده و راهزنی و بی‌نظمی بی‌سابقه در منطقه رواج داشت. این وضعیت که دنباله همان اوضاع ناآرام و هرج و مرج‌های سیاسی بعد از سقوط صفویه و سپس نادر و کریم خان بوده با رسیدن قاجارها به قدرت به ثبات و امنیت پایدار تبدیل نشد؛ چرا که قاجارها در دوره آقامحمدخان و فتحعلی شاه درگیر جنگ با روس‌ها و رقابت‌های شدید استعماری دولت‌های بزرگ شدند و در استقرار امنیت در سراسر کشور از جمله منطقه بختیاری ناتوان شدند، تا جایی که قدرت‌گیری محمد تقی خان در خاک بختیاری علاوه بر توانایی‌های فردی او، معلول نبود یک حکومت مرکزی قدرتمند در ایران بود که بتواند امنیت و آرامش و ثبات را در کل کشور حکمفرما کند. با این اوصاف محمد تقی خان به محض رسیدن به قدرت با وحدت نسبی که بین طوایف بختیاری به وجود آورد مبارزه‌ی شدیدی را علیه راهزنی و ناامنی آغاز کرد و در این راه تا حدودی زیادی موفق شده بود. برنامه‌های و ایده‌های اقتصادی محمد تقی خان در ادامه حکمرانی‌اش نشان داد که هدف وی از ایجاد امنیت در این منطقه نه تنها ایجاد آرامش روانی برای زندگی روزمره عادی بود؛ بلکه وی قصد داشت تا با ایجاد امنیت پایدار بستر و ساختار لازم را برای ایجاد رونق و عمران و آبادانی اقتصادی فراهم کند. سر اوستن لایارد^۲ که چند سالی در قلعه تل در کنار محمد تقی خان بود در مورد عدم امنیت قبل از زمامداری محمد تقی خان در حوزه بختیاری می‌نویسد «راه قلعه تل بسیار ناآرام و مشوش بود اشرار و راهزنان نیز از این فرصت استفاده نمودند و به سرقت و غارت گله و رمه ساکنین روستاها اطراف مشغول بودند. منطقه بین بختیاری و اعراب کعب سرزمین آباد و حاصلخیز است ولی به علت نبود امنیت و تاخت و تاز اشرار اغلب فصول سال خالی از سکنه است» (لایارد، ۱۳۶۷): ۱۵۷). اما بعد از به قدرت رسیدن محمد تقی خان ورق برگشت و او توانست ناامنی و بی‌ثباتی در

1. Kenneth Walters

2. Sir Austen Layard

منطقه را از بین ببرد و آرامش را برقرار کند. هانزی رنه در مورد امنیت و آرامش ایجاد شده توسط محمد تقی خان می‌نویسد «او که در زندگی شخصی نمونه پاک‌وبی‌آلایشی بوده است دست‌زدان و تبهکاران را از حوزه فرمان‌روایی خود کوتاه کرد» (هانزی رنه، ۱۳۷۸: ۷۱۹).

کرزن^۱ نیز ضمن ستایش و تعریف و تمجید از این خان بختیاری در مورد ریشه‌کن کردن ناامنی توسط وی می‌نویسد «تدابیر او بسیار عالی‌تر از آن بود که از محیط قومی‌اش انتظار می‌رفت او آفت راهزنی را منسوخ کرد» (کرزن، ۱۳۶۹، ج ۲: ۳۵۳). یکی از اقدامات هوشمندانه محمد تقی خان بختیاری برای جلوگیری از ناامنی در مناطق بختیاری درایت و کاردانی او در خنثی کردن سیاست‌های تفرقه‌افکنانه قاجارها بود که با ایجاد اختلاف در میان طوایف هفت لنگ و چهارلنگ اوضاع این منطقه را متشنج می‌کردند، بنابراین «محمد تقی خان نه تنها با سیاست تفرقه‌بینداز و حکومت‌کن‌مقابله کرد؛ بلکه با هوش و درایت خود تفرقه‌افکنی قاجارها را تبدیل به اتحاد و دوستی میان طوایف بختیاری کرد» (نوری، ۱۳۸۷: ۲۵۶). لایارد در مورد آمال و آرزوهای این خان بختیاری برای ایجاد امنیتی که به واسطه آن قصد داشت عمران و آبادانی اقتصادی را برای منطقه به ارمغان بیاورد گزارش می‌دهد که «بعضی از شب‌ها که در اندرون نشسته بودیم اغلب از آرزوهای و آمالش گفتگو می‌کرد و مایل بود که بی‌نظمی و هرج و مرج در حوزه حکمرانی او موقوف گردد و صلح و صفا و امنیت برقرار شود» (لایارد، همان: ۱۴۶). لایارد سپس نتیجه تلاش‌های محمد تقی خان را برای ایجاد امنیت پایدار و استقرار آرامش این‌طور بیان می‌کند «او امنیت را برقرار و دزدی و راهزنی را منسوخ کرد» (همان). بدین ترتیب باید گفت که هر چند هدف محمد تقی خان از برقراری امنیت در کوتاه‌مدت جنبه سیاسی و نظامی داشته و برای مقابله با راهزنی و دزدی بوده، ولی بررسی دقیق ایده‌ها و راهبردهای اقتصادی او نشان می‌دهد که خان بختیاری با هوشمندی و آینده‌نگری مقوله امنیت را بسیار مهم تشخیص داد و دریافت که بستر و ساختار لازم برای عمران و آبادانی از جمله تجارت و بازرگانی و به تبع آن رشد و توسعه اقتصادی امنیت پایدار می‌باشد و در این راستا تلاش‌های بی‌وقفه انجام داد تا جایی که می‌توان گفت امنیت ایجاد شده توسط وی در خاک بختیاری بعد از سقوط صفویه بی‌سابقه بوده است.

1. Curzon

ب- اسکان عشایر (تلاش برای تغییر شیوه تولید)

زندگی ایلی در تاریخ ایران سابقه دیرینه داشته و منشا تأثیرات عمده در ساختارهای مختلف جامعه بوده است. به عبارت دیگر ایلات و عشایر از نیروهای سیاسی - اجتماعی موثر در تاریخ ایران بوده‌اند و بسیاری از سلسله‌های حکومتی ایران خاستگاه ایلاتی داشته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که «شیوه کوچ‌چندگی و عشایری یکی از قدیمی‌ترین روش‌های زندگی بشری است» (ریاحی و عابدینی راد، ۱۳۹۱: ۱۰). به طوری که سابقه کوچ زیستی در ایران به حدود ۸۰۰۰ سال پیش می‌رسد و در این بین، منطقه زاگرس در کوچ نشینی پیشگام بوده است. به گفته ابن خلدون «این نوع زندگی به منزله اصل و گهواره‌ای برای شهرها و تمدن‌ها است و مقدمه برای شهرنشینی بوده است» (بخشنده، ۱۳۸۴: ۸۷). یکی از مهم‌ترین موضوعات در تاریخ ایران از دوران صفویه به بعد تا دوره معاصر ابتدا مسئله جابجایی ایلات و عشایر و سپس اسکان آن‌ها بوده است. منظور از یکجانشین شدن، سکونت دائمی عشایری است که در حال کوچ فصلی، از محلی به محل دیگر برای امرار معاش هستند می‌باشد. دهخدا اسکان را «به معنای آرام کردن و آرامانیدن می‌داند» (دهخدا، ۱۳۷۲: ۱۹۸۰). اسکان عشایر کوچنده از دیدگاه رشد، توسعه و تحول عبارت است از «تغییر رفتار اقتصادی و اجتماعی آنان به منظور بهبود کیفیت زندگی و بالابردن سطح زندگانی و گام گذاردن در مسیر تحول و پیشرفت دائمی می‌باشد» (کیاوند، ۱۳۶۸: ۱۷۶). این یکجانشینی کردن در واقع نوعی تلاش در جهت دگرگونی شیوه معیشت عشایری است که موجب بهبود و توسعه و ایجاد اشتغال مولد و احداث حداقل تاسیسات زیربنایی لازم و مسکن مناسب برای آنان می‌گردد. قبل از محمد تقی خان جابجایی عشایری توسط شاهان صفویه، افشاریه و زندیه انجام شده بود. شاه عباس اول صفوی برای دست یابی به اهداف خود به کوچ و اسکان بسیاری از ایلات پرداخته است «او که از قدرت روزافزون طایفه‌های کرد در قسمت غربی بيمناک شده بود حدود ۴۰۰۰ خانوار کرد را به مرزهای ایران فرستاد» (پاپلی، ۱۳۷۱: ۷۹). استرآبادی نوشته است «نادر در سفر آذربایجان ایلاتی را که از فارس و عراق و آذربایجان کوچانید آنانی که تعدادشان به ۵۶۰۰ خانوار می‌رسید را روانه خراسان کرد» (استرآبادی، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

یکی از ایده‌ها و راهبردهای مهم محمد تقی خان چهارلنگ در زمینه بسترسازی و فراهم کردن زمینه لازم برای تحول اقتصادی در کنار تحولات اجتماعی در منطقه بختیاری اسکان عشایر بوده است. او علاوه بر اهداف سیاسی نیز اهداف مهم اقتصادی را در سر می‌پروراند و شاید

توجه وی به جنبه اقتصادی اسکان عشایر نگاهی جدید در تاریخ ایران بوده و در این زمینه می‌توان وی را جز پیشگامانی دانسته که با شنیدن اخبار تحولات جهان غرب مخصوصاً پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی کوشید با یکجا نشینی و اسکان عشایر سبک تولید را تغییر و آن‌ها را برای اقتصاد صنعتی و ارتباط با دنیای خارج آماده کند. محمد تقی خان باور داشت که شیوه زندگی کوچ نشینی به هیچ وجه اجازه و زمینه لازم را برای توسعه و عمران و آبادانی اقتصادی- تجاری به جامعه بختیاری نمی‌دهد و توسعه و ترقی اقتصادی نیازمند جامعه یکجا نشینی است که بتواند با ظرفیت خود آن را محقق کند. او با اطلاعاتی که از سیاحان اروپایی مخصوصاً لایارد در مورد تحولات نوین اروپا گرفت باور داشت که کوچ نشینی جامعه بختیاری را از این پیشرفت‌ها عقب نگه می‌دارد و به شکلی که در صفحات این مقاله از زبان لایارد شنیدیم وی نگران این عقب افتادگی بود و تلاش می‌کرد که مردم را نسبت به این تحولات آگاه کند. او بر اساس همین اعتقاد، تلاش کرد تا جامعه بختیاری را از شیوه زندگی بدوی، طاقت فرسا و پر درد و رنج کوچ نشینی برهاند و با اسکان آن‌ها در دشت‌ها و جلگه‌ها تحول مهمی در شیوه معیشت و سبک زندگی آن‌ها به وجود آورد. این تلاش محمد تقی خان از چشم تیزبین سیاحان و ماموران سیاسی اروپایی غافل نماند و آن‌ها در سفرنامه‌ها و خاطرات خود به وضوح در مورد آن گزارش دادند. راولینسون که خود در زمانه این خان بختیاری می‌زیست و از مرکز حکمرانش دیدن کرد در مورد جدیت محمد تقی خان برای اسکان عشایر بختیاری می‌نویسد «او با تمام قوا تلاش خود را در جهت اسکان ایلات به کار برده و در این راه تا حدی موفق شده است. در فریدن اراضی وسیعی را خریداری کرده و روستاهای متعددی را در آنجا بنیان گذاشته است. در دشت رامهرمز مزارع متعلق به حاکم شیراز را به مبلغ سه هزار تومان در سال اجاره کرده و عده‌ای از بختیاریان را در آنجا سکونت داده است» (راولینسون، همان: ۱۴۸). باین و هوسه^۱ در سفرنامه خود نیز در مورد اقدامات و تلاش‌های محمد تقی خان برای اسکان طایفه دیناروند که در مناطق مرتفع سکونت داشته‌اند می‌نویسند «از سه هزار و هشتصد و سی مسیحی مطابق سه هزار و دویست و چهل و شش هجری طایفه دیناروند در قتل بسیار سخت مسکن داشته‌اند و معاش‌شان منحصر به غارت و چپاول بود ولی محمد تقی خان رئیس ایل چهارلنگ به آن‌ها ایمنی داده در جلگه حاصلخیز مال میر اسکان داده شدند» (باین و هوسه، ۱۳۶۳: ۶۵). کرزن نیز در مورد اسکان

1. Boban and Huse

عشایر توسط محمد تقی و تلاش وی برای تغییر شیوه زندگی و معیشت آن‌ها می‌نویسد «او افراد ایل را به استقرار و کشت و زرع تشویق نمود و بر میزان آبادانی و عمرانی امور افزود» (کرزن، ج ۲: ۳۵۳). راولینسون در جایی دیگر در مورد اندیشه و توانایی محمد تقی خان در جهت اسکان عشایر و مدیریت آن‌ها توسط این خان بختیاری نوشت «قدرت و شخصیت او مدیون مدیریت و طرز اداره امور عشایر و تسلط کامل وی بر امور آن‌ها است» (راولینسون، همان: ۱۴۸). دیتر امان^۱ اسکان عشایر توسط محمد تقی خان را گام مهمی در زمینه تحولات درون ایلی بختیاری معرفی می‌کند و از قبایلی که توسط وی اسکان داده شد نام می‌برد و می‌نویسد «در زمان محمد تقی خان تغییرات درون ایلی در بین طوایف مختلف بختیاری نیز پیش آمد. طایفه‌های دینارانی (به احتمال در اصفهان) در سال ۱۸۳۰م با رضایت محمد تقی خان در سرزمین‌های اطراف مال میر مستقر شدند... سوهونی‌ها که در اصل در شمال کارون می‌زیستند به محمد تقی خان پیوستند و به سوی منطقه‌های جنوبی کارون در نزدیکی گل گیر و کوه آسماری روی آوردند و خان آن‌ها را در کنار قبایلی چون دینارانی و قوندوزلو و بخشی از کیومرثی که همگی از ایلات مختلف بودند سکونت داد... خان بزرگ برای بدست آوردن آبادی‌های بیشتری از ارامنه در فریدون همت گماشت. وی به همین منظور سعی کرد تا عشایر بیشتری را مانند اطراف رامهرمز بدین سرزمین منتقل کند». (دیتر، ۱۳۷۴: ۷۵-۷۴) هانری رنه^۲ هم ضمن اشاره به اقدام محمد تقی خان در اسکان عشایر می‌نویسد «محمد تقی خان بسیاری از طوایف ایل بختیاری را از صحراگردی و چادرنشینی بازداشت و آن‌ها را با زراعت و تجارت آشنا کرد» (هانری رنه، همان: ۷۱۹). پژوهشگر دیگری در مورد فعالیت‌های محمد تقی خان برای اسکان می‌نویسد «محمد تقی خان عشایر کوه نشین و بیابانگرد مناطق جانکی و رامهرمز و بهبهانی را در جلگه‌ها حاصلخیز خوزستان اسکان داد» (فرخ پی، ۱۳۹۵: ۴۰). باید گفت که این اسکان عشایر توسط محمد تقی نتایج مهمی را در پی داشت؛ اول این که باید این خان بختیاری را یکی از پیشگامان اندیشه اسکان عشایر با نگاه اقتصادی جدید دانست. دوم این که این اقدام او گام مهمی در تحول زیست اجتماعی ایل بختیاری مخصوصاً چهارلنگ‌ها بود که باعث شد سیر اسکان آن‌ها بعد از محمد تقی خان شدت بگیرد و سبک زندگی و شیوه معیشت آن‌ها متحول شود. سوم این که بستر و زمینه لازم را برای نیروی کار جهت فعالیت‌های تجاری و کشاورزی فراهم آورد. چهارم این که خطرات شورش و

1. Dieter Aman

2. Henri Rene

باغی گری ایلات بختیاری را علیه حکومت مرکزی در دوره‌های بعد کم کرد. در هر حال این اسکان عشایر توسط محمد تقی خان را از هر زوایه که نگاه کنیم یکی از جنبه‌های مهم آن اندیشه وی برای بسترسازی عمران و آبادانی اقتصادی بوده است.

ج- اصلاح مالیات (سر و سامان دادن به اوضاع مالیاتی)

در تاریخ ایران دریافت مالیات همواره مهم ترین منبع درآمدی حکومت‌ها بوده است. اگر چه با وجود پیشینه کهن نظام مالیاتی، بستن مالیات و دریافت آن هیچ گاه مبتنی بر قواعد و مقررات ثابت و استواری نبوده است، گویا در تاریخ ایران اولین کسی که نظام مالیاتی را اصلاح و دارای نظم و ترتیب کرد «داربوش بزرگ هخامنشی بود که پرداخت کنندگان مالیات موظف شدند مالیات خود را براساس فرمان‌های شاه پرداخت کنند» (بریان، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۵۰-۶۰۸). مالیات سهم یا بخشی از درآمد یا دارایی است که به موجب اصل همکاری و بر اساس قانون هر کسی موظف است برای تامین هزینه‌های عمومی و حفظ منابع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به طور کلی برای اداره جامعه به حکومت پرداخت نماید بنابراین مالیات «جنبه‌های اجباری و آمرانه دارد و یک عمل ارادی و اختیاری نیست» (موسی زاده، ۱۳۸۸: ۴۲). در گذشته مالیات به صورت جنسی و نقدی بر فعالیت‌های اقتصادی مانند کشاورزی، پیشه‌وری، بازرگانی و دادوستد کالاها دریافت می‌شد. هدف از اخذ مالیات رفع نیازهای عمومی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی و... است.

در بسیاری از دوره‌های حکومتی فشار مالیاتی درد و رنج مالی بسیاری را بر مردم وارد می‌کرد و همواره جمع‌آوری مالیات و نحوه وصول و مقدار آن مسئله چالشی بین مردم و حکومت بوده است. وقتی محمد تقی خان حکمرانی منطقه بختیاری را به دست گرفت مسئله مالیات یکی از مسایل بود که از وضعیت پریشانی برخوردار بود. وی می‌دانست که برای ایجاد توسعه و ترقی اقتصادی باید سیستم مالیاتی را تنظیم و سرو سامان دهد. شواهد و منابع تاریخی حاکی از آن است که مهم ترین ویژگی سیستم مالیاتی که محمد تقی خان طراحی کرد جنبه عادلانه و خالی از فشار مالیاتی بود. تا جایی که یکی از موضوعات مورد اختلاف قاجارها و منوچهرخان معتمدالدواله با وی همین اندیشه عادلانه مالیاتی او بوده است که حاضر نشد خواست آن‌ها را برای گرفتن مالیات زیاد و همراه با فشار از حوزه تحت فرمان روایش را اجزایی کند و به بهانه‌های مختلف شانه خالی کرد؛ چرا که می‌دانست مردمش توانایی پرداخت چنان مبلغی را ندارند لایارد

می‌نویسد «محمد تقی خان تاکنون به عناوین مختلف و لطایف الحیل از پرداخت مالیات به عمال معتمد خوداری نمود؛ زیرا پولی در اختیار نداشت که خراج عقب افتاده دولت را بپردازد و اگر هم میخواست این مبلغ را به جبر و عنف از قبایل بختیاری وصول نماید، نفوذ و اقتدار خود را در میان طوایف تحت فرمانش از دست می‌داد؛ ظاهراً بختیاری‌ها نقدینه نداشتند و مبلغ کمی هم که در اختیار داشتند مایل نبودند به آسانی از دست بدهند. در تمام مدتی که من در بختیاری به سر بردم بندرت پول یا سکه طلا در نزد آنان دیدم» (لایارد، همان: ۱۴۳). راولینسون در مورد شیوه اصلاح عادلانه مالیاتی محمد تقی خان می‌نویسد «محمد تقی خان جمع‌آوری مالیات را براساس چگونگی حاصلخیزی هر منطقه و وضع اقتصادی طوایف تعیین می‌کرد» (راولینسون، همان: ۱۴۸). کرزن در مورد نتیجه اصلاح مالیاتی عادلانه که محمد تقی خان انجام داد می‌نویسد «نفرات ایل که وی با آن‌ها با عدالت و مدارا حکومت و عواید عادلانه دریافت می‌کرد نسبت به وی احترام بسیار می‌نمودند و فدایی او بودند» (کرزن، ج ۲؛ ۳۵۳). دیتز امان نیز از نافرمانی محمد تقی خان از سیستم مالیاتی ظالمانه که قاجارها تعیین کرده بودند می‌گوید و می‌نویسد «تا پیش از محمد تقی خان خراج سالانه حوزه رامهرمز مبلغ سه هزار تومان بود ولی چون حکومت ایران بنای از بین بردن منطقه را داشت خراج سالانه را از سه هزار تومان به پنج هزار تومان افزایش داد. پرداخت این مالیات سنگین از عهده روستاییان خارج بود. مگر این که منطقه به نابودی کشیده می‌شد. علاوه بر نفوذ محمد تقی خان در منطقه، ثروت بی‌کران وی هم موجب ناخشنودی شاه وقت شد» (دیتز، همان: ۷۵). بدین ترتیب باید گفت که محمد تقی خان با ایده و راهبرد اصلاح نظام مالیاتی مبتنی بر شیوه عادلانه تلاش کرد تا زمینه شکوفایی و آبادانی اقتصادی را فراهم کند و هم با این سیستم مالیاتی فشار و نارضایتی را در بین مردم از بین ببرد و هم اینکه به تثبیت پایگاه مشروعیتی خود در بین بختیاری‌ها کمک کند.

د- تلاش برای برقراری روابط تجاری با انگلیسی‌ها و هندوستان

مهم‌ترین نمود عملی ایده و راهبرد اقتصادی محمد تقی خان را می‌توان در تلاش و تکاپوی که او برای ایجاد روابط تجاری - بازرگانی خارجی به خصوص با انگلیس‌ها و هندوستان از طریق خلیج فارس انجام داد و همچنین کوششی که برای باز کردن راه‌های تجاری در حوزه حکمرانی خود کرد دید. وی به درستی تشخیص داد که پیشرفت و توسعه حوزه حکمرانی او فقط با باز کردن راه‌های تجاری با جهان خارج امکان‌پذیر است. بر اساس همین اعتقاد تلاش بسیاری انجام داد

تا روابط تجاری و داد و ستد بازرگانی را در خاک بختیاری برقرار کند. لایارد در مورد اندیشه‌های مترقیانه محمد تقی خان به خصوص اندیشه اقتصادی و همچنین مشاوه‌های تجاری که وی به خان بختیاری داده است می‌نویسد «محمد تقی خان با این که رئیس یک طایفه بدوی کوهستانی بود اندیشه و افکاری نو و مترقیانه داشت و آرزوی پیشرفت و توسعه و فرهنگ مردمش را در سر می‌پروراند. من به او گفتم این آرزوها در صورتی تحقق خواهند پذیرفت که تجارت را در حوزه حکمرانی خود گسترش دهید و با ملل پیشرفت و متمدن دنیا وارد داد و ستد و تجارت شوید. همچنین یادآور شدم که در خوزستان فرآورده‌های از قبیل پنبه، فرش و... تولید می‌گردد که در اروپا بازار پررونق و خوبی دارند. و ممکن است صدور این فرآورده‌ها بازرگانان و تجار انگلیس را تشویق نماید که وارد بازار خوزستان شوند و در عوض مقداری ااثیه لوکس و دیگر کالاهای مورد نیاز مردم این منطقه را وارد نمایند» (لایارد، همان: ۱۴۶-۱۴۵). راولینسون در مورد اوضاع تجاری خوزستان پایتخت خان بختیاری و ظرفیت‌ها و توانایی‌های اقتصادی این منطقه می‌نویسد «بختیاری‌ها تا حدودی به تجارت نیز اشتغال دارند مقادیر زیادی تنباکو از جانکی به خوزستان صادر می‌کنند، و در واقع تجارت این کالا را در انحصار دارند، همچنین مقدار کمی غله نیز صادر می‌کنند. افزوده بر این بختیاری‌ها در تابستان گوشت مورد نیاز شهر اصفهان را تامین می‌کنند. از دیگر کالاهای صادراتی بختیاری چوب گیلاس وحشی که در کوه‌های می‌روید و برای دسته چپق بکار می‌رود و اگر به طور درست مورد استفاده قرار گیرد می‌تواند منبع درآمد خوبی باشد. از فعالیت‌های پرسود دیگر می‌توان فروش ذغال، مازو، سقز و گز را نام برد» (راولینسون، همان: ۱۴۸). بارون دوبد^۱ نیز که به حضور محمد تقی خان در قلعه تل رسید در مورد کالاهای تجاری بختیاری در زمان محمد تقی خان می‌نویسد «گله‌های بزرگ گوسفند ... بزرگ‌ترین منبع ثروت آنان به شمار می‌رود... و گوشت بازار اصفهان را در طول چهارماه از سال فراهم می‌کنند... در مناطق جانکی سرحد و گرمسیر توتون فراوان به عمل می‌آید که نیاز بازارهای شوشتر و دزفول را تامین می‌کند» (دوبد، ۱۳۷۱: ۳۰۵-۳۰۴).

به نظر می‌رسد محمد تقی خان به درستی توانایی‌ها و فرصت‌های تجاری منطقه بختیاری را برای رونق و شکوفایی تجارت خارجی تشخیص داد و با رایزنی با انگلیسی‌ها تمایل و خواسته خود را برای تجارت با آن‌ها در خلیج فارس و هندوستان نشان داد. او برای تحقق این امر خواهان

۱. Barun Dobad

ایجاد شاهراهی برای داد و ستد در حوزه قلمرویش گردیده و تضمین داده بود که امنیت این شاهراه را تامین و در حد توان امکانات آن را فراهم کند، لایارد در این زمینه می‌نویسد «او مایل است داد و ستد و تجارت را در بین مردم بختیاری و هندوستان توسعه و گسترش دهد و اضافه کرد که چند سال قبل یک نفر مسیحی مقداری امتعه و کالاهای ساخت خوزستان را از طریق محمره به بمبئی حمل می‌کرد ولی کشتی او در خلیج فارس غرق شد و محصولاتش نیز از بین رفت. محمد تقی خان همچنین از من خواست تا تجار و بازرگانان انگلیسی را تشویق نمایم تا با مردم بختیاری و حوزه حکمرانش داد و ستد و تجارت نمایند وی تقبل نمود که حفظ جان نمایندگی‌ها و امنیت حمل و نقل و مالتجاره‌ها را نیز شخصا برعهده خواهد گرفت» (لایارد، همان: ۱۴۷-۱۴۶).

گویا هدف محمد تقی خان از شاهراه مذکور در واقع مسیری بود که مناطق بختیاری را از یک سو به خلیج فارس و از سوی دیگر به مناطق مرکزی ایران وصل می‌کرد. او قصد داشت با احداث این مسیر تجاری منطقه بختیاری را به گلوگاه و کانون تبادلات تجاری و بازرگانی ایران تبدیل کند. این ایده محمد تقی خان بعدها به کوشش سردار اسعد بختیاری و شرکت برادران لینچ تحقق پذیرفت، امانی می‌نویسد «در زمان علی قلی خان سردار اسعد بود که ... با سازشی که سران ایل با کمپانی لینچ زیر نظر مهندسین انگلیسی و بدست کارگران هندی کردند این امر انجام گرفت. علی قلی خان سردار اسعد در این قرارداد تصمیم گیرنده اصلی و در حقیقت سخنگوی خوانین بختیاری بود و در واقع از همه خان‌ها بیشتر به اهمیت جاده کارون و قرارداد آن واقف بود» (امانی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۶۳). کسروی در مورد اهمیت اقتصادی و سیاسی این جاده برای منطقه بختیاری می‌نویسد «این راه از لحاظ اقتصادی برای خان‌های بختیاری بسیار مفید واقع شد. آن‌ها علاوه بر هزینه‌ای که از استفاده کنندگان این جاده می‌گرفتند. از قبایلی که برای بیلاق و قشلاق می‌رفتند نیز مبالغی اخذ می‌کردند» (کسروی، ۱۳۱۲: ۱۹۵). لایارد در مورد علاقه و تمایل بی نظیر محمد تقی خان برای شنیدن اخبار پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی اروپا و آگاه کردن مردم نسبت به این تحولات و همچنین تلاش برای دستیابی به این پیشرفت‌ها و امکانات جهت تحول در منطقه تحت فرمانروایش می‌نویسد «محمد تقی خان میل داشت صبحت مملکت انگلیس را ببکند و خیلی مایل به ترقی ولایت خود بود. او می‌خواست تجارت در مملکت او داخل شود و این صبحت را اغلب وقتی که شب‌ها روی قالی نشسته بود و مشغول تماشای اسب‌های خود بود می‌نمود گاهی هم در دیوان خانه در حضور مردم می‌نمود و به من

می‌گفت در حضور این مردم از محاسن راه آهن و سایر صنایع صحبت کن... سعی می‌کرد طایفه خود را ترقی دهد و با هم متحد باشند او کوشش می‌کرد راه‌ها باز شود و تجار در آن صفحات عبور و مرور نمایند و دزدها را سیاست می‌نمود» (لایارد، همان: ۹۰ و ۱۰۳).

محمد تقی خان برای تحقق اهداف و برنامه‌های خود لایارد را برای رایزنی سیاسی و اقتصادی با مقامات انگلیسی به جزیره خارک فرستاد. هر چند هدف خان بختیاری از اعزام لایارد کسب حمایت سیاسی و نظامی انگلیسی‌ها در نزاع او با حکومت قاجار بود، ولی کوشید ایده‌ها و برنامه‌های اقتصادی و تجاری خود را نیز در این مأموریت با انگلیسی‌های در میان بگذارد و در صورت امکان جامعه عمل پیوشاند. لایارد در مورد نتیجه تلاش او برای مجاب کردن انگلیسی‌ها برای همراهی و همکاری با محمد تقی خان می‌نویسد «در مورد مسئله اصلی مسافرتم به خارک کلنل هنل گفت که جنگ بین ایران و انگلیس پایان یافته است و دولت بریتانیا دیگر از نظر سیاسی نمی‌تواند از خان بختیاری حمایت نماید؛ ولی او می‌تواند برنامه‌های اقتصادی‌اش را به اجرا در آورد و با تجار و بازرگانان انگلیسی وارد معامله و دادوستد شود» (لایارد، همان: ۱۵۴). گارثویت^۱ یکی از اهداف مهم و کلیدی محمد تقی خان از فرستادن لایارد به جزیره خارک را برای برقراری روابط تجاری در خاک بختیاری می‌داند و معتقد است «وی در زمینه تجارت به لایارد اختیار داد تا به مقامات انگلیسی گوشزد کند که وی حاضر است جاده‌ای جهت حمل و نقل مالتجاره و محمولات بازرگانان خارجی در خاک بختیاری احداث کند و امنیت آن را تضمین نماید و ارتباط تجاری بین هندوستان و بختیاری ایجاد نماید» (گارثویت، ۱۳۷۵: ۱۳۰-۱۲۹). کرزن در مورد ایده‌ها و برنامه‌های محمد تقی خان برای برقراری روابط تجاری و گسترش آن در منطقه بختیاری می‌نویسد «از تجارت حمایت می‌کرد و پیشنهادهای را در باره بسط دادوستد با انگلستان به حسن قبولی تلقی نمود» (کرزن، ج ۲: ۳۵۳). جان گوردن لوریمر^۲ در مورد اندیشه‌ها و تکاپوهای تجاری محمد تقی خان می‌نویسد «هیئت اعزامی او به خارک در دسامبر ۱۸۴۰ م. در کنار جنبه‌های سیاسی آن جنبه تجاری داشت. محمد تقی خان مرد نسبتاً روشنی بود. یک بار سعی کرد که به حساب خودش تولیدات منطقه اش را مستقیماً به بمبئی صادر کند. ولی کشتی حامل اجناس در راه آسیب دید او در تدارک آن بود که برای ارتباط منطقه اش با سواحل خلیج

1. Garthwaite

2. John Gordon Levhmer

فارس و شط العرب راه‌های تجاری به وجود آورد. در ۱۸ دسامبر ۱۸۴۰ م نامه‌ای خطاب به مستر فریث^۱ تاجر بمبئی نوشت و از او خواست زمینه را برای ارتباط با اتاق بازرگانی بمبئی فراهم کند. این هیئت بلافاصله پاسخ داد و از او خواست که نمونه‌های خود را بفرستد ولی مشکلات بعدی که خان بختیاری به آن‌ها دچار شد و دستگیری او توسط معتمدالدوله اتفاق افتاد همه نقشه‌های وی را برآب کرد» (لویمر، ۱۳۹۰ : ۷۸). بدین ترتیب باید گفت که محمد تقی خان ایده‌ها و برنامه‌های بلندپروازانه را برای بازکردن راه‌های تجاری و بازرگانی در حوزه حکمرانیش داشت. او به خوبی این نکته مهم را دریافت بود که عمران و آبادانی اقتصادی بدون جذب سرمایه گذار و رونق گرفتن تجارت و دادوستد خارجی امکان ندارد. علاوه بر این‌ها او را باید جز حاکمان پیشگام ایرانی دانسته که علاقه فراوانی برای کسب آگاهی از پیشرفت‌های اروپایی از طریق سیاحان و مأموران غربی از خود نشان داد و برای انتقال این پیشرفت‌ها به منطقه خود دست به فعالیت‌ها و اقدامات گوناگونی زد.

^۱. Mr. frith

نتیجه‌گیری

بررسی فوق‌کوشید تا نشان دهد محمد تقی خان چهارلنگ به عنوان پدیدآورنده اولین کنفدراسیون ایل بختیاری هم درحوزه نظری و هم در حوزه عملی به اندیشه اقتصادی باور داشت. او در این زمینه صاحب افکار نو و مترقیانه بود و می‌کوشید منطقه حکمرانی خود را به لحاظ اقتصادی متحول و به پیشرفت و ترقی برساند. وی برای تحقق این اندیشه، بعد از قدرت‌گیری با آگاهی و درک این مسئله مهم که تحول، عمران و آبادانی اقتصادی در منطقه ایلیاتی، کوچ‌نشین و ناآرام تحت نفوذش نیازمند بستر لازم می‌باشد به فراهم کردن زمینه و ساختار لازم برای این امر مهم اقدام کرد. بر همین اساس وی مبارزه‌ی شدیدی را بر علیه عوامل اختلال آفرین و دفع‌کننده این تحول اقتصادی که مهم‌ترین آن‌ها فقدان امنیت و سبک‌زندگی کوچ‌نشینی بختیاری‌ها بود انجام داد. محمد تقی خان اعتقاد داشت که تحول و توسعه اقتصادی نیازمند امنیت پایدار است و سبک‌زندگی کوچ‌نشینی نمی‌تواند رونق و ترقی اقتصادی بیافریند؛ بنابراین با جدیت تمام راهزنی و دزدی را منسوخ و امنیت را برقرار کرد. او سپس تلاش کرد با اسکان و یکجانشینی کردن عشایر و اقوام کوه‌نشین بختیاری در حوزه حکمرانی خود آن‌ها را به تجارت و کشاورزی مشغول کند تا بستر و ساختار لازم را برای تحول و توسعه اقتصادی به وجود آید. محمد تقی خان سپس به سراغ مهم‌ترین منبع درآمد اقتصاد سنتی دولت‌ها یعنی مالیات رفت و تلاش کرد میزان مالیات را با توجه به میزان حاصلخیزی زمین و توان و درآمد افراد اصلاح و با نرخ عادلانه دریافت کند و زیر بار نرخ مالیات‌های سنگین دولت قاچار نرفت. در مرحله بعد با آگاهی از ظرفیت‌ها و توانایی‌های تجاری و بازرگانی حوزه حکمرانی خود اهتمام و کوشش فراوان به خرج داد تا با ارتباطات تجاری و اقتصادی با انگلیس‌ها و منطقه هندوستان درهای تجاری را در خوزستان مرکز فرمان‌روایی خود بگشاید و سرمایه‌گذاران و تجار خارجی را تشویق به آمدن به منطقه بختیاری کند. به طور کلی محمد تقی خان کوشید فعالیت‌های اقتصادی خود را با رویکردی جدید و الگو گرفته از آگاهی‌های کسب شده از مناسبات نوین اقتصادی جهان و پیشرفت‌های صنعتی دنیای غرب انجام دهد. در پایان باید گفت محمد تقی خان چهارلنگ دغدغه پیشرفت و عمران و آبادانی اقتصادی حوزه حکمرانی خود را داشته است و با آینده‌نگری تلاش کرد تا با اقدامات نظری و عملی با رویکردی متفاوت از اقتصاد سنتی به این خواسته مهم خود جامعه عمل ببوشاند.

منابع

- ۱- استرآبادی، محمد مهدی (۱۳۸۷). تاریخ جهان گشای نادری، تهران: دنیای کتاب.
- ۲- آهنجیده، اسفندیار (۱۳۷۴). ایل بختیاری و مشروطیت، اراک: انتشارات ذره بین.
- ۳- امانی، منصور (۱۳۸۲). تاریخ ایذه و قوم بختیاری، تهران: دار الکتاب.
- ۴- امام شوشتری، محمد علی (۱۳۳۱). تاریخ و جغرافیای خوزستان، تهران: امیرکبیر.
- ۵- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (بی‌تا). تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- ۶- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۷). خوزستان و تمدن دیرینه آن، ج ۱، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- ۷- امامی، سید محمد علی (۱۳۷۹). تاریخ خوزستان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۸- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۸۴). مبانی کوچ و کوچندگی در ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات تربیت معلم.
- ۹- بختیاری، سردار اسعد (۱۳۷۶). تاریخ بختیاری، به اهتمام جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ۱۰- بختیاری، مریم (۱۳۸۲). خاطرات سردار بی بی مریم بختیاری، ویراستار غلام عباس نوروزی، تهران: آزان.
- ۱۱- بابن و هوسه (۱۳۶۳). سفرنامه جنوب ایران، ترجمه محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- ۱۲- بختیاری، سردار ظفر (۱۳۶۲). یادداشت‌ها و خاطرات، تهران: فرهنگسرای یساولی.
- ۱۳- بریان، پیر (۱۳۸۱). امپراطوری هخامنشی، ترجمه ناهید فروغان، ج ۱، تهران: نشر قطر.
- ۱۴- دوید، بارون (۱۳۷۱). سفرنامه لرستان و خوزستان، ترجمه محمد حسن آریا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲). لغت نامه دهخدا، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶- دیتز، امان (۱۳۷۴). بختیاری‌ها عشایر کوه نشین ایرانی در پویه تاریخ، مترجم محسن محسنیان، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۷- دالمانی، هانری رنه (۱۳۷۸). از خراسان تا بختیاری، ج ۲، ترجمه غلامرضا سمیعی،

تهران: نشر طاوس.

۱۸- راولینسون، هنری کریک (۱۳۶۳). سفرنامه، سکندر امان اللهی بهاروند، تهران: انتشارات آگاه.

۱۹- ریاحی، وحید؛ عابدینی راد، آرزو (۱۳۹۱). «اسکان عشایر و بازتاب‌های فرهنگی»، مجله انسان‌شناسی، دانشگاه تهران.

۲۰- سلطانی، محمد علی (۱۳۷۲). جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، با مقدمه عبدالحسین نوایی، ج ۳، تهران: سپا.

۲۱- شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۷). «روابط بختیاری‌ها با حکومت مرکزی قاجار و دولت انگلیس»، در مجموع مقالات همایش ملی جامعه بختیاری و تحولات ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی، به کوشش دکتر غفار پور بختیار، اهواز: انتشارات پان.

۲۲- شیهان، مایکل (۱۳۸۸). امنیت بین‌الملل، ترجمه سید جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۳- فریزر، جیمز بیلی (۱۳۶۴). سفرنامه، مترجم منوچهر امیری، تهران: توس.

۲۴- فرخ پی، عبدالرضا (۱۳۹۵). طایفه شیرالی در گذر تاریخ بختیاری، تهران: انتشارات سمرقند.

۲۵- قربانی پوردشتکی، خدابخش (۱۳۹۰). انگلیس‌ها و بختیاری‌ها، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر.

۲۶- کیاوند، عزیز (۱۳۶۸). حکومت، سیاست و عشایر از قاجاریه تا سال ۱۳۶۸، چاپ اول، تهران: انتشارات عشایر.

۲۷- کسروی، احمد (۱۳۱۲). تاریخ پانصد ساله خوزستان، بی‌جا: بی‌نا.

۲۸- کرزن، جرج (۱۳۶۹). ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ج ۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۹- گارنویت، جن. راف (۱۳۷۵). بختیاری در آئینه تاریخ، ترجمه مهرباب امیری، تهران: انتشارات آنزان.

۳۰- لوریمر، جان گوردون (۱۳۹۰). تاریخ خوزستان (۱۶۰۴-۱۹۰۵)، ترجمه محمد جواهر کلام، تهران: انتشارات کویر.

۳۱- لسان‌الملک سپهر، محمد تقی خان (۱۳۷۷). ناسخ التواریخ، به اهتمام جمشید کیانفر،

تهران: انتشارات اساطیر.

۳۲- لایارد، اوستن هنری (۱۳۶۷). سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران، ترجمه مهرباب

امیری، تهران: وحید.

۳۳- موسی زاده، رضا (۱۳۸۸). مالیه عمومی، تهران: میزان.

۳۴- مکین روز، الیزابت (۱۳۷۳). با من به سرزمین بختیاری بیائید، ترجمه و حواشی مهرباب

امیری، تهران: بی‌نا.

۳۵- میرزایی، غلامرضا (۱۳۷۳). بختیاری‌ها و قاجاریه، اصفهان: انتشارات ایل.

۳۶- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۸۰). روضه الصفا، ج ۱۵، به تصحیح جمشید کیانفر، تهران:

اساطیر.

37- wolfers, A. (1952). national security, as Ambiguoual. Politice symbol, *political science Quarterly*. vol.67.

38- Waltz, K. N. (1979). *Theory of International*. PoLitice, Addison_ Wesley pub.co-

39- Ney, S. J. (1995). *EastI, Asian security, the case for Deep Engagement*, foreign. Affairs, 74, no.4